

## مناسبات کلام پژوهان و تاریخ نگاران معاصر با محوریت امامت

مرضیه ساجدی فرا<sup>۱</sup>

### چکیده

این پژوهش با روش تحلیلی - تطبیقی و با تمرکز بر آرای متکلمان و مورخان معاصر، به بررسی نسبت میان دو دانش کلام با رویکرد اثبات و دفاع از گزاره‌های اعتقادی و تاریخ باهدف تبیین طبیعی و قاعده‌مند رویدادها در حوزه امامت‌شناسی شیعی می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که در حوزه امام‌شناسی، باتوجه به مقام انسانی و جایگاه فرانسانی امام، آیا می‌توان در این مقوله، نسبتی بین دانش کلام و تاریخ ارائه کرد؟ و اگر نسبتی وجود دارد، از منظر معاصران چگونه است؟ یافته‌های پژوهش نشان از آن دارند که در تعامل دوگانه کلام و تاریخ، کلام با استناد به آموزه‌های دینی، ویژگی‌های فراطبیعی امامان را تبیین می‌کند؛ درحالی‌که تاریخ با تحلیل وقایع عینی، بُعد انسانی و زمینی امامت را برجسته می‌سازد. این دو رویکرد، نه در تقابل، بلکه در تکمیل یکدیگر عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که تاریخ، زمینه‌های اجتماعی - سیاسی امامت، و کلام، مبانی اعتقادی آن را مستدل می‌کند. در این میان، تنش اصلی در تقلیل‌گرایی تاریخی در ارتباط با نادیده گرفتن بُعد قدسی امام یا کلام صرفاً انتزاعی به معنی غفلت از واقعیات تاریخی ریشه دارد. راه حل پیشنهادی، اتخاذ نگاهی بینارشته‌ای است که هم به اسناد تاریخی و هم به استدلال‌های کلامی توجه توأمان دارد.

واژگان کلیدی: امامت، علم کلام، علم تاریخ، بعد انسانی امام، ارتباط ویژه امام با خدا.

۱. دانش پژوه سطح چهار کلام جامعة الزهراء و دانشجوی دکتری وهابیت شناسی دانشگاه باقرالعلوم ع، قم، ایران؛

masajedifar@chmail.ir

## مقدمه

علم کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم و تبیین معارف و مفاهیم دینی می‌پردازد و بر اساس شیوه‌های مختلف استدلالی، اعم از برهان، جدل، خطابه و... به اثبات و توجیه اعتقادات، و در مقابل مخالفان و شبهات، به دفاع از دین می‌پردازد. به عبارت ساده، علم کلام در تعریفی روشن، دانش استنباط و فهم درست گزاره‌های اعتقادی، از منابع دینی است (جرجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲ و همدانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۹). اثبات، تبیین و دفاع از عقاید دینی، از دغدغه‌های جدی متکلمان است.

فارابی در تعریف این دانش می‌نویسد: «صناعت کلام، ملکه‌ای است که انسان به کمک آن می‌تواند از راه گفتار (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ش ۷۳)، به یاری آرا و افعال محدود و معینی که واضح شریعت، آنها را به صراحت بیان کرده است، بپردازد و هرچه مخالف آن است را باطل نماید» (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۴). شیخ صدوق، علم کلام را شامل کلام عقلی و نقلی دانسته است؛ چنان‌که به نقلی بودن آن تصریح و به روش عقلی آن نیز با واژه تحلیل اشاره کرده است. وی استدلال کردن با مخالفان را وظیفه متکلمان می‌داند (مکدوموت، ۱۳۶۳، ص ۴۱۷). همچنین تعریف زیر از علم کلام را به شیخ مفید، از محدثان بزرگ و متکلمان شیعه در قرن چهارم و پنجم، نسبت داده‌اند: «کلام، دانشی است که از طریق استدلال، برهان و جدل، به طرد باطل می‌پردازد» (همان، ص ۱۰). علم کلام یکی از علوم اسلامی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید به آنها اعتقاد داشت، بحث می‌کند، درباره آن توضیح می‌دهد و برای اثبات آن عقاید، با دلایل عقلی و نقلی (آیات و روایات) استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۲۶، ج ۲، ص ۹۳۲؛ تفتازانی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۳؛ لاهیجی، ۱۳۸۳، ص ۴۲ و همان، ۱۴۲۶، ص ۳).

تاریخ‌شناسی، معرفتی است همانند معارف دیگر که غایتی جز شناخت موضوعات مورد نظر خود ندارد. آنچه تاریخ می‌خواهد ثابت کند طبیعی و قاعده‌مند بودن پدیده‌های مورد نظر خودش است. موضوعاتی که مورخان به دنبال شناسایی و تبیین آنها هستند. تاریخ، علم بررسی حوادث گذشته است؛ دانشی که بر مبنای آن، انسان امکان پیدا می‌کند که بگوید اتفاقات تاریخی در یک تداوم زمانی حادث شده است. تاریخ و کلام هر دو در

بررسی مقوله‌هایی همچون امامت، عصمت، علم به غیب و معجزات، دارای اشتراک‌هایی می‌باشند و این تعامل علم کلام و تاریخ، ویژگی مثبت این دو رشته علمی است؛ زیرا تاریخ می‌تواند برخی از مبانی کلامی را ثابت کند، همچنان‌که کلام نیز به برخی مطالب تاریخی رهنمون می‌کند که علم تاریخ توان ثابت کردن آن مطالب را ندارد (حضرتی، ۱۳۸۸، ص ۵).

در علم تاریخ، به دور از آنکه به تحلیل یا تبیین واقعه‌ای پرداخته شود، درباره جایگاه زمانی و مکانی آن رویداد روایت می‌شود؛ حتی اگر آن واقعه، با مبانی اعتقادی در ارتباط باشد. همچنین به اعتقاد نگارنده، از درستی یک اعتقاد نیز نمی‌توان نسبت به تاریخ آن قضاوت کرد؛ بنابراین با اینکه این دو علم با هم اشتراکات و مناسباتی دارند، باید از یکی به دیگری منتقل شویم، درحالی‌که می‌دانیم دارای موضوع و هدف متفاوتی هستند.

با این وجود در برخی مواقع، علم کلام و تاریخ، در مبحث امام‌شناسی به هم پیوند می‌خورند و در بعضی موضوعات مشترک، روایات متفاوتی از یک واقعه بیان می‌کنند. در این موارد، این سؤال‌ها ایجاد می‌شود که در تقابل بین تاریخ و کلام، کدام یک بر دیگری ارجحیت و استیلا دارد؟ و یا به روایت دیگر، کدام دیگری را تأیید، تضعیف، تفسیر یا رد می‌کند؟ و یا گزاره سؤمی وجود دارد تا بین کلام و تاریخ داورى کند؟ و باید جانب کدام یک را گرفت تا مبحث علمی باشد؟ لذا در این نوشتار سعی شده است تا با دقت در موضوعات گفته شده، پاسخ مناسب به این سؤالات ارائه گردد.

در ارتباط با مطالعات پیشینی، دانش‌های میان‌رشته‌ای، به تناسب نیازهای جدید و تخصص‌های نوظهور، با تلفیق چند علم گوناگون در بین رشته‌های دانشگاهی یا مکاتب فکری پیوند ایجاد می‌کنند (Klein ۱۹۹۰، pp ۳۹-۴۲). به بیان دیگر اگر موضوعی را تحت عنوان دو یا چند علم مورد بررسی قرار دهیم (Repko، ۲۰۱۷، pp ۱۰-۱۵) مطالعات میان‌رشته‌ای شکل گرفته است. امروزه در کنار مطالعات بین‌رشته‌ای، از مطالعات مضاف نیز استفاده می‌کنند. در این سبک مطالعاتی، با استفاده از چند رشته علمی به صورت هماهنگ می‌توان به نتایجی دست یافت که در هر رشته، دارای اعتبار علمی است. این نوع مطالعه، اغلب به عنوان تحقیق بین‌رشته‌ای (Interdisciplinary Research) نیز شناخته می‌شود. در زمینه‌های

مختلف علمی، مطالعه مضاف می‌تواند به تعمیق فهم موضوعات و ارائه راه‌حل‌های کارآمدتر منجر شود (همان). در مطالعه مسائل مربوط به علم کلام و تاریخ نیز همین امر صادق است. اگر مسئله‌ای را در علم کلام و سپس در علم تاریخ بحث کنیم و از هر دو نتیجه بگیریم، موضوع را بین‌رشته‌ای بررسی کرده‌ایم.

در مطالعه میان‌رشته‌ای، حوزه‌های نوین دانش، در بیش از یک زمینه محض دانشی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روش برخورد میان‌رشته‌ای، فرصت عبور از مرزهای سنتی رشته‌های گوناگون دانش را با هدف رسیدن به نتیجه مطلوب در یک رشته فراهم می‌سازد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸، ص ۵۷ - ۸۳).

در ارتباط با پیشینه، سیدمحمد هادی گرامی و محمد قندهاری، در مقاله «واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر در مطالعات شیعه‌شناسی» پس از بیان مباحث مقدماتی، کنکاشی در جهت تبیین دقیق‌تر مرزهای کلام و تاریخ فکر صورت داده و تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی بر تاریخ فکر را بررسی کرده‌اند. سپس درباره تعارض کلام با تاریخ، سخن به میان آورده و تلاش نموده‌اند ماهیت این تعارض و بازگشت آن به تاریخ و وظیفه مورخ در مواجهه با آن را بازنمایی کنند (گرامی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹ - ۱۸۱). شاید بتوان گفت از نخستین کسانی که با استناد به منابع شیعی، کتابی از این دست نوشتند، دکتر جواد علی باشد که در سال ۱۹۳۷م پایان‌نامه‌اش را در آلمان نوشت. وی اهل کاظمین بود و با بزرگان شیعه در عراق؛ همچون سیدالدین شهرستانی مکاتباتی داشت. این کتاب اخیراً به زبان عربی با عنوان المهدی المنتظر عند الشيعة ترجمه شده است. وی در این کتاب، به بررسی موضوع مهدویت از دیدگاه شیعه پرداخته است. نویسنده بر منابع شیعی تکیه داشته و دیدگاه‌های مستشرقان را که مبتنی بر منابع اهل تسنن است، نقد می‌کند. این کتاب، ترکیبی از دیدگاه‌های تاریخی و کلامی است که به بررسی عقاید و باورهای کلامی شیعیان در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه له می‌پردازد و با استفاده از منابع معتبر شیعی و ارتباط با بزرگان شیعه، دیدگاه‌های کلامی و اعتقادی در این زمینه را تحلیل و بررسی می‌کند (جواد، ۲۰۰۵، ص ۲۰۰). کتاب مکتب در فرایند تکامل؛ نظری بر تطوّر مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، نوشته سیدحسین مدرسی طباطبایی، به طور

عمده، یک کتاب تاریخی است که به بررسی تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین پرداخته است. با این حال، این کتاب جنبه های کلامی نیز دارد؛ زیرا به تحلیل و بررسی عقاید و باورهای کلامی شیعیان در این دوره می پردازد. بنابراین می توان گفت این کتاب، تلفیقی از دیدگاه های تاریخی و کلامی است که به بررسی موضوعات مختلف مربوط به مهدویت و مبانی فکری تشیع پرداخته است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۵). لازم به ذکر است در این کتاب، نویسنده بر اساس محیط و فضای فکری خاص خود و تحت تأثیر مبانی و روش های تاریخ نگاری مدرن، به بازنویسی تاریخ شیعی پرداخته و به امور قدسی و ابعاد فرابشری اهل بیت علیهم السلام کمتر توجه کرده است. پس از انتشار این کتاب، نقدها و ردیه های فراوانی بر آن نوشته شد که این نقدها، مباحث قابل توجهی از کتاب را دربرگرفت. البته نویسنده، این کتاب را به صورت روشمند، با رعایت معیارها و شاخصه های پژوهش تاریخی، تألیف کرده است (نوربخش، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳-۱۶۳).<sup>۱</sup> حسن حضرتی، در مقاله «نسبت تاریخ شناسی و علم کلام در حوزه امام شناسی»، در پژوهشی تاریخی درباره امامان علیهم السلام، نسبت مکمل بین رویکرد تاریخی و رویکرد کلامی برقرار کرد و نشان داد که این دو رویکرد، در ماهیت و اساس، هیچ تناقضی با هم ندارند و اگر هر کدام در جای خود نشانداده شوند، می توانند طرح امام شناسی را کامل کنند. همچنین این نکته را مورد تأکید قرار داد که اگر احیاناً میان این دو رویکرد، تناقضی رخ نمود، رجحان و اصالت، با رویکرد تاریخی است (حضرتی، ۱۳۹۴). کتاب سیر تطور کلام شیعه، نوشته محمد صفر جبرئیلی، به بررسی تطور کلام شیعی از عصر غیبت تا خواجه نصیرالدین طوسی می پردازد. این کتاب، شامل حدود چهار قرن (چهارم تا هفتم) بوده و مباحث اصلی آن در دو بخش عرضه شده است. موضوع بخش اول، بررسی تطور و تحول علم کلام شیعه در دوره های مختلف تاریخی است و مسائل کلامی جدید و چگونگی پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات دینی، تحلیل و بررسی شده است. در بخش دوم، نویسنده رویکردهای متکلمان شیعه از عصر غیبت تا زمان خواجه نصیرالدین طوسی را بررسی کرده

۱. نشست نقد کتاب مکتب در فرایند تکامل (جلسه اول) به همت پژوهشگاه تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام با حضور حجت الاسلام دکتر محمد تقی سبحانی و دکتر نعمت الله صفری تشکیل شد و در راستای بالابردن کیفیت و کمیت پاسخ گویی به شبهات این کتاب، ویژگی بارز آن، یعنی وجود روایات از منابع دست اول شیعی را نقطه عطفی دانسته و مورد توجه ویژه قرار دادند (واسعی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۴۰).

و به تحلیل و نقد دیدگاه‌های مختلف کلامی در این دوره‌ها پرداخته است. این کتاب، به عنوان یک منبع معتبر و علمی در زمینه تاریخ کلام شیعه شناخته می‌شود که به تحلیل و بررسی دقیق مسائل کلامی و تاریخی پرداخته است (جبرئیلی، ۱۴۰۱). محمدتقی سبحانی در مقاله «رابطه علم کلام با علم تاریخ»، به تعامل علم کلام و تاریخ به عنوان ویژگی مثبت این دو رشته علمی پرداخته و بیان کرده است که تاریخ می‌تواند برخی از مبانی کلامی را ثابت کند؛ همچنان‌که کلام هم ما را به برخی مطالب تاریخی رهنمون می‌کند که علم تاریخ توان ثابت کردن آن مطالب را ندارد. در ادامه، ارتباط منفی تاریخ و کلام را در اصول اعتقادی می‌داند که بشر در آن دخالت دارد (سبحانی، ۱۳۸۸). محسن الویری و زهرا روح‌الهی امیری در مقاله «تقابل یا تطابق دیدگاه کلامی بر اندیشه تاریخی؛ بررسی موردی دیدگاه تقی‌الدین علی مقریزی»، با رویکردی متن‌پژوهانه، تأثیر اندیشه‌های کلامی بر تاریخ‌نگاری در تقابل بین نقش انسان و خداوند چگونه به داوری نشسته است را پاسخ می‌گویند (الویری و روح‌الهی امیری، ۱۳۹۸). علی ربانی گلیپایگانی در مقاله «تاریخ و علل ظهور علم کلام»، با توجه به ظهور عقاید و مذاهب مختلف کلامی، در شرح مباحث کلامی، مراجعه به گزاره‌های تاریخی را گریزنپذیر دانسته و قرآن را نمونه بارز در استفاده از نمونه‌های تاریخی می‌داند (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۷۲). محمدتقی سبحانی در مقاله «از تاریخ تا اندیشه بازنگری تاریخ فکر شیعه»، اساساً تاریخ کلام یا تاریخ اندیشه و عقیده را شاخه‌ای از تاریخ می‌داند، نه شاخه‌ای از کلام و عقاید. وی با اذعان به اینکه تاریخ تفکر، اساساً یک کار تاریخی است و گرایشی میان رشته‌ای نیست، عنوان می‌کند از درستی یک اعتقاد، نمی‌توان نسبت به تاریخ آن قضاوت کرد؛ چنان‌که از تاریخ تفکر نیز نمی‌توانیم هیچ گزاره کلامی استنتاج کنیم. وی تاریخ کلام و خود کلام را باوجود پیوندهای ظریف بین آنها، دو مقوله مجزا از هم بیان می‌کند (سبحانی، ۱۳۹۱).

باتوجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، به طور کامل مشخص می‌شود که ابعاد زیادی در این موضوع وجود دارد که هنوز مورد مطالعه دقیق علمی قرار نگرفته است. براین اساس در این نوشتار به بررسی نسبت علم کلام و علم تاریخ در حوزه امام‌شناسی از منظر محققین معاصر این دو علم می‌پردازیم. نسبت این دو علم از منظر حسن حضرتی

با وجود تقارب و شباهت هر دو علم تاریخ و کلام در حوزه امام شناسی، در نهایت، رجحان و اصالت با علم تاریخ است (حضرتی، ۱۳۹۴)؛ در صورتی که محمد تقی سبحانی نسبت این دو علم را تنگاتنگ دانسته و معتقد است به سادگی و بدون در نظر گرفتن ملاحظات ظریف و بسیار نمی توان علم تاریخ را بر رویکرد کلامی برتری داد (سبحانی، ۱۳۹۱).

اهمیت پرداختن به این موضوع در آن است که با توجه به رسالت علم کلام، در جایگاه دفاع از اعتقادات و پاسخ گویی به شبهات و سوالات، در امام شناسی نیز باید به عنوان یکی از اصول مهم اعتقادی علم کلام، رسالتش را انجام دهد. از سوی دیگر، با عنایت به رسالت علم تاریخ، یعنی گزارش دادن وقایع مختلف، در کتب تاریخی، گزارش هایی مربوط به حوزه امام شناسی دیده می شود که پذیرفتن گزارش مورّخین، اعتقاد مورد نظر متکلمین را خدشه دار می کند. لذا این سؤال مطرح می شود که آیا بین علم کلام و علم تاریخ در حوزه امام شناسی نسبتی وجود دارد؟ اگر نسبتی وجود دارد، رجحان و اصالت با کدام یک از این دو علم است؟ با این توصیف، فرض اصلی در جستار حاضر این است که علم کلام با علم تاریخ در حوزه امام شناسی دارای نسبت است و حتی در بعضی موارد، مرز میان حوادث تاریخی و مباحث کلامی آن، قابل تفکیک نیست. همان طور که قبلاً هم اشاره شد، ارتباط تنگاتنگی بین علم کلام و تاریخ وجود دارد؛ چنان که حسن حضرتی بر این اعتقاد است که «نسبت رویکرد کلامی و رویکرد تاریخی، نسبت تکمیلی است نه تنقیضی. به بیان دیگر و روشن تر، دانش کلام و دانش تاریخ، به زعم ایشان، می توانند مکمل یکدیگر باشند. معنای این حرف این است که متکلمین و مورّخین، هر کدام به تنهایی و صرفاً با ماندن در درون دانش خود نمی توانند پژوهش در حوزه امام شناسی را کامل انجام دهند و به ناگزیر باید از یکدیگر کمک بگیرند» (حضرتی، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

### مناسبات علم کلام و دانش تاریخ

از قلم نگارنده تحقیق می توان ارتباط بین علم کلام و تاریخ را این گونه تقسیم کرد:

۱. آن دسته از مبانی کلامی که با گزاره های تاریخی، نسبت تکمیلی دارند و اعتقاد کلامی به وسیله گزاره تاریخی مورد وثوق، تایید می شود. بیشترین ارتباط این دو دانش، در این دسته جاگذاری می شود. به عبارتی، در مقام رخداد، تاریخ مؤید کلام است؛ چنان که محمد تقی



سبحانی در این مورد، چنین بیان کرده است: «تعامل علم کلام و تاریخ، ویژگی مثبت این دو رشته علمی است؛ زیرا تاریخ، برخی از مبانی کلامی را می‌تواند ثابت کند؛ همچنان‌که کلام هم ما را به برخی مطالب تاریخی رهنمون می‌کند که علم تاریخ توان ثابت کردن آن مطالب را ندارد؛ مثل دخالت نیروهای آسمانی در جنگ بدر» (سبحانی ۱۳۸۸، ص ۴۷).

همچنین در علم کلام، گزاره‌های قطعی داریم (مثل معجزه) که هیچ‌کس نمی‌تواند به آنها خدشه وارد کند. در این باره، علامه سیدجعفر مرتضی نیز همین نظر را دارند که گزاره‌های قطعی کلامی، جای خدشه را از سمت هرکسی می‌بندد (محمدی، ۱۳۹۸، ص ۵۰).

اعتقاد مهم و اساسی شیعیان در اثبات امامت امیرالمومنین علیه السلام و ابلاغ آن از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از طریق نص الهی (حلی، ۱۳۹۹، ص ۳۶۷) و قاعده انتصاب (همان، ص ۳۶۶)،<sup>۲</sup> هم در آثار متکلمان و هم تاریخ‌نویسان به وضوح دیده می‌شود. متکلمان بسیاری از جمله: قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ ق) در تمهید، البیضاوی (م ۶۸۵ ق) در طوابع الأنوار و قاضی عبدالرحمن الایجی الشافعی (م ۷۵۶ ق) در المواقف آن را ذکر کرده‌اند (خسروشاهی، ۱۳۹۴، ص ۴۲). از منظر شواهد و قرائن تاریخی نیز مورخان زیادی از جمله: بلاذری (م ۲۷۹ ق) در انساب الاشراف، ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق) در دو کتاب المعارف و الامامة والسیاسة، طبری (م ۳۱۰ ق) در کتاب مفرد، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) در تاریخ و ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ق) در الاستیعاب، این رخداد بزرگ را گزارش کرده‌اند.

برخی مورخان، قائل به ارتباط تکمیلی کلام و تاریخ بوده و مواردی را بیان نموده‌اند؛ چنان‌که حسن حضرتی بیان می‌کند: امام از دو شأن ثبوتی و اثباتی برخوردار است<sup>۳</sup> و این

۱. «... فقالت الإمامیه إن نصبه واجب علی الله تعالی».

۲. «... ذهب الإمامیه خاصه إلى أن الإمام یجب أن یكون منصوباً علیه ... والدلیل علی ما ذهبنا إلیه وجهان: ... الثاني أن النبی صلی الله علیه و آله کان أشفق علی الناس من الوالد علی ولده حتی أنه صلی الله علیه و آله أرشدهم إلى أشياء لانسبه لها إلى الخلیفه بعده کما أرشدهم فی قضاء الحاجه إلى أمور کثیره مندوبه و غیرها من الوقائع و کان صلی الله علیه و آله إذا سافر عن المدینه یوماً أو یومین استخلف فیها من یقوم بأمر المسلمین و من هذه حاله کیف ینسب إلیه إهمال أمته و عدم إرشادهم فی أجل الأشياء و أسنانها و أعظمها قدراً و أكثرها فائده و أرشدهم حاجه إلیها و هو المتولی لأموارهم بعده فوجب من سیرته صلی الله علیه و آله نصب إمام بعده و النص علیه و تعریفهم إیاه و هذا برهان لمی».

۳. در اندیشه شیعی، امامت به عنوان یک منصب الهی، از دو جنبه ثبوتی و اثباتی برخوردار است: ۱. جنبه ثبوتی (ذاتی/ حقیقی): این جنبه به ماهیت وجودی و ویژگی‌های ذاتی امام مربوط می‌شود که از سوی خداوند تعیین شده و مستقل از شناخت یا عدم شناخت مردم است. این جنبه، شامل موارد زیر است:



دو شأن در او جمع شده و شخصیت او را تا حد انسان کامل بالا برده است بدون اینکه وی را دچار تناقض رفتاری کند. به عبارت دیگر، مقام ثبوتی و اثباتی، در یک انسان جمع شده و او را تکمیل کرده است. پس می‌توان ادعا کرد این فرایند در قالب یک پژوهش، به مقصد شناخت هر دو مقام ثبوتی و اثباتی امام و با کمک گرفتن از علوم مربوط نیز قابل جمع است تا امام‌شناسی به طور کامل ارائه گردد.

به بیان دیگر می‌توان این گونه عنوان کرد که وقتی در حوزه هستی‌شناسی، این دو شأن در یک انسان جمع شده است، پس می‌توان این موضوع هستی‌شناختی را در سطح معرفت‌شناسانه نیز به ارزیابی گذاشت. نکته این است که شناخت هیچ‌کدام از این دو شأن، ممتنع نیست؛ اما شاید در درون یک دانش مقدور نباشد و همان گونه که گفته شد، لازم است علوم مرتبط با امام‌شناسی، از یکدیگر کمک بگیرند.

۲. در دسته دوم، مبانی کلامی، تقدم بر گزارش تاریخی دارد. به طور مثال، علم امام، در مبانی کلامی، مورد اثبات قرار می‌گیرد و اگر گزارشی تاریخی وجود داشته باشد که دلالت بر عدم علم امام کند، آن گزارش تاریخی کنار گذاشته می‌شود؛ چراکه آنچه تاریخ را تأیید می‌کند، عقل تاریخی است؛ یعنی اگر شرایط وقوع امری حاصل شود و شواهد تاریخی هم وجود داشته باشد، آن امر محقق شده است. در تأیید این مهم، حسن حضرتی بیان می‌دارد: «در باب عقل تاریخی، این نکته نیازمند تأکید است که عقلی اسنادی است. به این معنا که مبنای قضاوت عقلانی درباره صحت و سقم رویدادها «سند» است. بنابراین، عقل تاریخی،

۱. نصب الهی: امامت موهبتی الهی است و امام از سوی خداوند منصوب می‌شود. علم لدنی: امام دارای دانش ویژه الهی و عصمت است.

ولایت تکوینی: امام واسطه فیض الهی و دارای اختیارات معنوی در جهان هستی است.

۲. جنبه اثباتی (بیانی/شناختی): این جنبه به چگونگی شناخت و اثبات امامت برای مردم بازمی‌گردد. در این حوزه، امام باید از طریق ادله نقلی (قرآن، سنت) و عقلی به جامعه معرفی شود. موارد این جنبه شامل:

نص پیامبر ﷺ: مانند حدیث غدیر یا احادیثی که به جانشینی امام علی ﷺ اشاره دارد. معجزات و کرامات: مانند علم بی‌پایان ائمه ﷺ یا شواهد تاریخی که مقام آنان را تأیید می‌کند. استدلال‌های عقلی: مانند لزوم وجود هدایت‌گری معصوم پس از پیامبر ﷺ برای حفظ دین.

این دو جنبه مکمل یکدیگرند؛ زیرا از یک سو امامت به عنوان حقیقتی الهی وجود دارد (ثبوتی)، و از سوی دیگر باید برای جامعه به شکل عقلانی و نقلی اثبات شود (اثباتی). این دیدگاه در آثار متکلمان شیعه مانند شیخ مفید، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبائی مورد تأکید قرار گرفته است.

عقلی است که رویکردی طبیعی، قاعده‌مند و زمینی به رویدادهای انسانی دارد. عقلی که با مبنا قرار دادن علل و عوامل طبیعی و جامعه‌شناختی سعی می‌کند رویدادهای تاریخی را بشناسد. به بیان دیگر، از نگاه عقل محض، ممکن است گزارشی تاریخی صحیح ارزیابی شود، ولی عقل تاریخی، آن را نادرست بخواند» (حضرتی ۱۳۹۱، ص ۱۴). براین اساس، در اثبات مبانی کلامی، آنچه باعث تأیید مبنا می‌شود، وحی به علاوه عقل خواهد بود؛ یعنی اگر گزاره‌ای به وسیله عقل پذیرفته شده بود، وحی نیز بر آن صحه می‌گذارد. رضا برنجکار در این زمینه بیان می‌دارد: «در مواردی که عقل آدمی، مستقل از وحی، قادر به درک و اثبات مسئله‌ای باشد، اگر وحی سخنی بگوید، نقش آن ارشاد به حکم عقل و تأیید آن است» (برنجکار، ۱۳۹۱، ص ۴۸) و هر جا عقل، عاجز از ورود و نتیجه‌گیری باشد، وحی وارد می‌شود. «متکلمان اسلامی در استنباط عقاید دینی، به دو منبع عقل و وحی توسل می‌جویند؛ البته در میزان استفاده از این دو منبع، در میان ایشان گرایش‌های مختلفی وجود دارد» (همان، ص ۲۵).

۳. یکی از مهم‌ترین چالش‌های میان کلام و تاریخ، در این دسته‌گزارش می‌شود. در این دسته، مبانی کلامی، گزاره‌هایی را بیان می‌کنند که تاریخ در مورد آنها نمی‌تواند نظری داشته باشد و یا تاریخ، گزاره‌هایی را بیان می‌کند که از نظر کلام رد می‌شود. از دیدگاه متکلمین، نمونه‌های زیادی وجود دارد. از جمله تقابل‌هایی که در کتاب سید جعفر مرتضی ذکر شده است و موجب راه یافتن گزارش‌های نادرست در منابع تاریخی و دشواری تشخیص سره از ناسره می‌شود عبارت‌اند از: عدالت صحابه، سکوت در برابر اختلاف صحابه با یکدیگر، زندیق بودن منتقد صحابه، تفاوت فسق صحابه با دیگران، حتمی بودن توبه صحابه، بخشیده شدن گناه اهل بدر، اجتهاد تمام صحابه، اجتماع ائمه مهتدین (سه خلیفه اول)، شریعت و سنت بودن فتوای صحابه، اجتهاد صحابه در مقابل نص به جهت گرامی داشتن صحابه، سنت امام عادل، سنت و فتوای امیر، سهو نسیان پیامبر ﷺ، عصمت امت، تقدم اجتهاد فقها بر نص، رد روایات شیعه در مطاعن و فضائل، عرضه نکردن حدیث به قرآن، موافقت با اهل کتاب، شرعی بودن و نه عقلی بودن حسن و قبح (مرتضی عاملی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۶۴).

همچنین محمد تقی سبحانی چنین بیان کرده است: «ارتباط منفی تاریخ و کلام، در

اصول اعتقادی است که بشر در آن دخالت دارد. برای مثال، کلام می‌خواهد پیامبر ﷺ و امام علی را موجوداتی فرابشری بنمایاند، ولی تاریخ نمی‌تواند این صفات را به آنان نسبت دهد. به زعم تاریخ‌نگاران، این مهم‌ترین چالش تاریخ و کلام است. کلام و تاریخ هرکدام به نحوی مسائل مشترک همچون: امامت، عصمت، علم به غیب و معجزات را بررسی می‌کنند» (سبحانی ۱۳۸۸، ص ۴۹).

از دیدگاه مورخان، اگر موجد رویداد و پدیده‌ای، در گذشته بوده است، تاریخ‌نگار می‌تواند آن را به عنوان گزاره‌ای تاریخی، نفی یا اثبات کند و از آنجا که بیشتر زندگی امامان با توجه به اسناد تاریخی، در کنش‌های انسانی گذشته است و ائمه در مقام انسانی زیسته‌اند، لذا این بخش، قابلیت تبیین در تاریخ را دارد. اگر برای امام، کنش فرانسائی هم وجود داشته باشد، در صورت برخورداری از اصالت تاریخی، ماهیت آن را کلام تبیین می‌کند (حضرتی ۱۳۸۸، ص ۳).

از آنجا که در دانش تاریخ، دو قصد شناسایی امر واقع (fact) و تجزیه و تحلیل واقعیت‌ها در یک چهارچوب نظری مشخص مورد نظر است (همان، ص ۴)، لذا در مسیر این فرایند باید مواردی را مد نظر قرار داد که بر پذیرفته شدن یا رد گزاره‌های تاریخی مؤثر است و می‌تواند اثبات و عدم اثبات این گزاره‌ها را تحت الشعاع قرار دهد. به زعم نگارنده این سطور، به واسطه امور ذیل، نمی‌توان قطعیت گزاره‌های تاریخی را پذیرفت و هیچ‌کس نیز چنین ادعایی نمی‌کند. الف) هر تاریخ‌نگار، حتی اگر به ظاهر یک اثر توصیفی صرف داشته باشد، باز هم اندیشه‌ای در درون خود نهفته دارد که تألیفاتش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اندیشه مورخ، در پس گزارش‌های تاریخی، مستور، اما موجود است (همان، ص ۸۵-۸۸).

ب) مورخ با توجه به فهم و میزان ارزیابی عقل خود از رخداد تاریخی، آن را گزارش می‌کند. ج) راوی در نقل یک رخداد تاریخی، جدا از درستی یا نادرستی فهم خود، ممکن است مقصود خاصی را دنبال کند که در گزارش مؤثر است.

د) یکی از موارد مهم در گزارش مورخان، هویت راوی است. درحقیقت، راوی به مثابه شاهدهی در دادگاه است که می‌خواهد شهادت دهد، لذا باید از جهات مختلف، دارای

ویژگی‌های خاصی باشد. اعتقادات، گرایش‌های فکری، وابستگی‌های سیاسی - اجتماعی و جایگاه علمی راوی، در روایت وی مؤثر خواهد بود.

ه) وجود نقصان‌های جسمی، روحی و روانی در راوی، در گزارش وی اثرگذار خواهد بود. همان‌طور که صاحب رستم التواریخ از بیماری روانی رنج می‌برده است (نوذری ۱۳۹۶، ص ۵۸)، ولی اثر این مورخ، از مراجع تاریخی حذف نشده است.

و) اینکه راوی، روایت را برای کدام گروه نقل می‌کند نیز در کیفیت گزارش وی مؤثر است؛ زیرا تمایلات، تعلقات و تفکرات مخاطب، در نقل رویداد مؤثر است. به طور مثال، روایت رخداد تاریخی نزد حاکم نسبت به عاقله مردم متفاوت بوده است.

علاوه بر موارد ذکرشده، گزاره‌های مؤثر دیگری بر گزارش‌های تاریخی وجود دارد که می‌تواند صحت و سقم آن گزاره را مورد خدشه قرار دهد که پرداختن به همه آنها از حوصله این نوشتار خارج است.

البته در تایید ارتباط تکمیلی بین کلام و تاریخ باید گفت اگر تاریخ نباشد ممکن است بعضی گزاره‌های کلامی زیر سؤال برود؛ همان‌طور که بسیاری از اهل فن، برای اثبات موارد کلامی، از گزاره‌های بسیار زیاد تاریخی استفاده کرده‌اند، اما در برخی موارد، تعارضاتی بین کلام و تاریخ وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت (محمدی، ۱۴۰۱). علامه سیدجعفر مرتضی در مطالعات تاریخی، واقع‌بین و عینی‌گرا بود. ایشان اعتقاد دارد که علم تاریخ، دانش مستقلی است که در عین برخورداری از روش‌های پژوهشی خاص خود، هویت و اعتبار استقلالی ندارد (رزاقی موسوی، ۱۳۹۸، ص ۹۸ - ۱۰۴).

در نشست نخبگانی دانشگاه ادیان و مذاهب، علامه سیدجعفر مرتضی در موضوع تقدّم کلام بر تاریخ عنوان نمود که در نوشتن گزارش‌های تاریخی، نکته حائز اهمیت این است که ایشان در مقام گزارشگر، تاریخ پیامبر و اهل بیت را می‌نویسد که علم غیب و وحی دارند و در جای خود ثابت شده است. به همین جهت اگر گزارشی تاریخی داشته باشیم که پیامبر، معصوم نبوده و یا علم غیب نداشته است، پذیرفته نخواهد بود (ایمانی، ۱۴۰۱). در توضیح معصوم بودن ائمه علیهم‌السلام می‌توان چنین تبیین نمود که وقتی گفته می‌شود ائمه، معصوم هستند

این مفهوم مد نظر است که عملکرد آنها خطاناپذیر است و اشتباه نمی‌کنند؛ اما در گزاره‌های تاریخی، احتمال خطا و اشتباه وجود دارد و هیچ‌کس ادعای بدون خطا بودن این گزاره‌ها را بیان نکرده است (محمدی، ۱۴۰۱). به همین جهت اگر در مواردی تاریخ، ادعای عدم عصمت امام یا انجام عمل خطا یا اشتباه از طرف وی را داشته باشد، گزارش تاریخی دچار مشکل است و تعیین با علم کلام می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

مسئله اصلی نوشتار حاضر این بود که در پژوهشی تطبیقی در موضوع امامت، نسبت مکمل بین رویکرد کلامی و رویکرد تاریخی وجود دارد و مشخص شد که این دو رویکرد، در ماهیت و اساس، هیچ تناقضی با هم ندارند و اگر هرکدام در جای خود نشانده شوند، می‌توانند دانش امام‌شناسی را با کمک یکدیگر به طور کامل به تکامل برسانند. اما از دیدگاه سیره‌نگاران معاصر، همچون سید جعفر مرتضی عاملی و متکلمان معاصر همچون محمد تقی سبحانی، در مواردی که تفاوتی در گزارش تاریخی مشاهده می‌شود، کلام بر تاریخ تقدم دارد. در مقابل، از دیدگاه مورّخین معاصر، از جمله حسن حضرتی، این رجحان با تاریخ خواهد بود. از دیدگاه نگارنده، باتوجه به نکاتی که در نگارش گزارش‌های تاریخی عنوان شد، در گزارش‌های تاریخی، قطعیت وجود ندارد و مورّخان ممکن است در تغییرات شرایط، دچار لغزش گردند. در مورد گزاره‌های کلامی، با استناد به دلایل عقلی و نقلی، اثبات آنها با استفاده از گزاره‌های تاریخی به درستی انجام می‌پذیرد. همچنین مشخص شد دانش تاریخ در حوزه امام‌شناسی، مؤید علم کلام قرار می‌گیرد؛ به این اعتبار که اگر گزاره‌ای در تاریخ وجود داشته باشد و از منظر کلام قطعی پذیرفته نباشد، مردود است.

## فهرست منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۲۶ ش، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. الویری، محسن و روح‌الهی امیری، زهرا، ۱۳۹۸ ش، «تقابل یا تطابق دیدگاه کلامی بر اندیشه تاریخی؛ بررسی موردی دیدگاه تقی‌الدین علی مقریزی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال یازدهم، ش ۴۰، ص ۳۵-۵۴.
۳. برنجکار، رضا، ۱۳۹۱ ش، روش شناسی علم کلام، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۴. تفتازانی، سعدالدین، ۱۳۷۲ ش، شرح مقاصد (مقصد اول، فعل اول)، قم: نشر شریف الرضی.
۵. جبرئیلی، محمدصفر، ۱۴۰۱ ش، سیر تطور کلام شیعه: دفتر ۲: از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. جرجانی، میرسیدشریف، ۱۳۹۴ ش، تعریفات، ترجمه: حسن سیدعرب، تهران: فرزانه روز.
۷. جواد، علی و دودو، ابوالعید، ۲۰۰۵ م، المهدي المنتظر عند الشيعة الإثني عشرية، نجف اشرف: مکتبه طریق المعرفة.
۸. حضرتی، حسن، ۱۳۸۸ ش، «درآمدی بر نقد تاریخی»، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۱۴۰.
۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ ش، «نسبت تاریخ‌شناسی و علم کلام در حوزه امام‌شناسی؛ مورد امام رضا (ع)»، همایش علمی - پژوهشی امام رضا (ع)، تهران: ادیان مذاهب و فرق.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۳۹۹ ش، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. خسروشاهی، مرتضی، ۱۳۹۴ ش، حدیث غدیر و مسئله ولایت، قم: کلبه شروق.
۱۲. خورسندی طاسکوه، علی، ۱۳۸۸ ش، «تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ش ۴، ص ۵۷-۸۳.
۱۳. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۷۲ ش، «تاریخ و علل ظهور علم کلام»، کیهان اندیشه، ش ۵۰، ص ۷۹-۸۵.
۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ ش، درآمدی بر علم کلام، تهران: دار الفکر.
۱۵. رزاقی موسوی، سیدقاسم، ۱۳۹۸ ش، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری علامه سیدجعفر مرتضی عاملی»، آینه پژوهش، ش ۱۷۹، ص ۹۸-۱۰۴.
۱۶. سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۸ ش، «رابطه علم کلام با علم تاریخ»، انجمن تاریخ‌پژوهان. دسترس در: <https://sokhanetarikh.com/?p=1398>
۱۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۶ ش، «از تاریخ تا اندیشه بازنگری تاریخ فکر شیعه»، شیعه‌شناسی؛ تاریخ کلام شیعه، دسترسی در: <http://sokhanetarikh.com/index.aspx?siteid=60&pageid=31939&newsview=79243>
۱۸. فارابی، ابونصر محمد، ۱۳۶۴ ش، احصاء العلوم، ترجمه: حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۹. گرامی، سیدمحمدهادی و قندهاری، محمد، ۱۳۹۲ ش، «واکاوی رابطه کلام و تاریخ فکر در مطالعات شیعه‌شناسی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۱۳۹-۱۷۱.

۲۰. لاهیجی، عبدالرزاق، ش ۱۳۸۳، گوهر مراد، ویراست جعفر پژوم، تهران: نشر سایه.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۴۲۶ق، شوارق الاوهام فی شرح تجرید الکلام، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۲۲. محمدی، رمضان، ۱۳۹۸، «نقش باورهای کلامی در بازسازی گزاره های تاریخی (با تأکید بر عصمت) در نگاه علامه مرتضی عاملی»، آینه پژوهش سال سی ام آذر و دی ۱۳۹۸ شماره ۵ (پیاپی ۱۷۹).
۲۳. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، ۱۳۷۵ش، مکتب در فرایند تکامل؛ نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.
۲۴. مرتضی عاملی، سیدجعفر، ۱۴۲۶ق، الصّحیح من سیرة النّبی الاکّظم صلی الله علیه و آله، قم: دار الحدیث.
۲۵. مصاحبه حضوری، رمضان محمدی، ۱۴۰۱/۳/۵.
۲۶. مصاحبه حضوری، علیرضا ایمانی، ۱۴۰۱/۳/۵.
۲۷. مکدموت، مارتین، ۱۳۶۳ش، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه: احمد آرام، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران، ۴۱۷.
۲۸. نودری، جلیل، ۱۳۹۶ش، نویسنده رستم التواریخ کیست؟، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب.
۲۹. نوربخش، ایمان، ۱۳۸۸ش، «گزارشی از جلسات نقد و بررسی کتاب مکتب در فرایند تکامل؛ بخش دوم و سوم: کتاب، سفینه»، سال ششم، ش ۲۴، ص ۱۴۳-۱۶۳، (ویژه قرآن)، دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/458696/fa>
۳۰. واسعی، علیرضا؛ سبجانی، محمدتقی و صفری، نعمت الله، ۱۳۸۸ش، «نشست نقد کتاب مکتب در فرایند تکامل؛ جلسه اول»، کتاب ماه دین، سال دوازدهم، ش ۱۴۲، مرداد، ص ۴۰-۶۳.
۳۱. همدانی، قاضی عبدالجبار، بی تا، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، بی نا: بی جا.
32. Klein, Julie Thompson. "Interdisciplinarity: History, Theory, and Practice." Wayne State University Press, 1990.
33. Repko, Allen F., and Rick Szostak. "Interdisciplinary Research: Process and Theory." SAGE Publications, 2017.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی